

سه گانه‌ای از

بازی گواردیولا

نخستین
مارتی پرارنانو

ترجمه و تألیف
جواد خیابانی



سرشناسه: پرارنائو، مارتی، ۱۹۵۵ - م. Perarnau, Marti

عنوان و نام پدیدآور: سه گانه ای از پپ گواردیولا / نوشته مارتی

پرارنائو؛ ترجمه و تالیف جواد خیابانی، مترجم همکار در بخش سوم

مینا امان الله پور؛ ویراستار آروین صمیمی.

مشخصات نشر: تهران: افق دور، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: ۹۷۶ ص. مصور.

شابک: ۷۴۹۹۰:978-600-423-119-۵ تومان

ر. ب. بند کد: ۹۴۲/VGV/گپ ۹۶۴ ۱۳۹۶

رده بندی: ۷۹۶/۳۳۴۰۲

شماره کتابشناسی ملی: ۶۸۰۶۸۷



سه گانه پپ گواردیولا

نویسنده: مارتی پرارنائو

ویراستار: آروین خادم صمیمی

صفحه آرایی: محسن ایرانمنش

طراح جلد: شروین محمدپور

ناظر امور فنی: محسن باطنی

چاپ اول: ۱۳۹۶

قیمت: ۷۴۹۹۰ تومان

ترجمه و تالیف: جواد خیابانی

ترجمه کتاب دوم: با همکاری مینا امان الله پور

گرافیک و طراحی: مجید خیابانی

چاپخانه: زندگی

انتشارات: افق دور

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۷۴۹۹۰:978-600-423-119-۵

دفتر مرکزی: انقلاب کارگر شمالی تقاطع بلوار کشاورز بن بست گیتی پلاک ۲ - طبقه ۲ واحد ۴

تلفن: ۰۹۳۵۵۷۰۳۶۴۲ - ۶۶۹۱۵۹۱۸

www.ofoghedoor.com

Telegram: @nashreofoghedoor

کتاب یکم: تولد اسطوره

۲۷	۱: «تولد اسطوره»
۴۱	۲: «کاتالونیا کجاست؟»
۵۵	۳: «شروع مارتی پرارنانو»
۶۹	۴: «نهالی که تنومند می‌شود»
۸۳	۵: «پپ و خانواده»
۹۱	۶: «پرش به آینده‌ای در منچستر»
۹۷	۷: «سلوان خلسه‌ی پپ»
۱۰۷	۸: «اثرات هفته‌های پپ»
۱۲۷	۹: «محدودیت زمان پپ»
۱۴۷	۱۰: «تفریح در قاره»
۱۵۵	۱۱: «چرخش ذهنی بغه»
۱۶۱	۱۲: «بازگشت به وطن»
۱۶۷	۱۳: «دستیاران پپ»
۱۷۱	۱۴: «من تغییر نخواهم کرد»
۱۸۵	۱۵: «در انتظار فصل جدید»

کتاب دوم: محرمانه

۱۹۳	۱: «شام با کاسپارف»
۲۰۱	۲: «لازم است که در اسرع وقت همه چیز را در مورد باشگاه بدانم»
۲۰۹	۳: «من می‌توانم روزی خودم را مربی این‌جا تصور کنم»
۲۱۹	۴: «آن‌ها پیشاهنگ فوتبال اروپا برای پنج سال آینده خواهند بود»
۲۲۵	۵: «بی‌صبرانه منتظر دیدن تمرینات هستم می‌خواهم ببینم پپ تصمیم به تغییر چه چیزی دارد»
۲۳۵	۶: «لئو، پپ هستم. می‌توانید همین الان به‌خاطر من بیاید؟ الان، لطفاً»
۲۴۵	۷: «پتانسیل لام را می‌بینید؟»
۲۴۹	۸: «تیاگو می‌رسد»
۲۵۷	۹: «ما رونالدو یا مسی نداریم اما نگرش جمعی صحیح داریم»
۲۶۵	۱۰: «بازیکنان شکست‌ناپذیر ما چه کسانی هستند؟ ریبری و روبن»
۲۷۱	۱۱: «آن کوه را ده بار هر یک مسابقه فتح خواهند کرد»
۲۷۹	۱۲: «من به راسل گفتم شش هزار کیلومتر از او دور خواهم شد»
۲۸۹	۱۳: «بوروسیا شایسته‌ی پیروزشدن بود»
۲۹۵	۱۴: «شاید یک اشتباه بود»
۲۹۹	۱۵: «درباره‌ی ورزشکار بودن چه می‌دانید؟»

- ۱۶: «خاوی فقط دانته را نگاه کن!»..... ۳۰۳
- ۱۷: «تنها مالکیت توپ مهم نیست بلکه هدفی که پشت مالکیت است، اهمیت دارد»..... ۳۰۷
- ۱۸: «من هیچ هافبکی ندارم»..... ۳۱۳
- ۱۹: «ما در تلاشیم که کارمان را خوب انجام دهیم، نه این که فقط قهرمان شویم»..... ۳۱۹
- ۲۰: «قابلیت‌های توپ را خوب به نمایش بگذارید، بازی‌تان خوب خواهد شد»..... ۳۲۷
- ۲۱: «من از همه‌ی پاس‌های تیکی‌تاکا متنفرم»..... ۳۳۵
- ۲۲: «لام مردی فوق‌العاده است»..... ۳۴۳
- ۲۳: «روش بازی ما این گونه است»..... ۳۴۹
- ۲۴: «بایرن امروز به گونه‌ای بود که فقط در فیلم می‌شود دید»..... ۳۵۵
- ۲۵: «بچه‌ها من نمی‌دونم چه طوری پناالتی بزنید، در عمرم حتی یک پناالتی هم نزد من ولی ما بهترین پناالتی دنیا را این جا داریم»..... ۳۶۱
- ۲۶: «در حال حاضر من در جهان بهترین نیستم»..... ۳۶۹
- ۲۷: «هویسنس روح جسم پادشاه است، او برای باشگاه حیاتی است»..... ۳۷۵
- ۲۸: «ما همه پشت مربی پناه می‌بریم»..... ۳۷۹
- ۲۹: «آقایان این نوع از تیکی‌تاکا احداثه است»..... ۳۸۵
- ۳۰: «نقشه کشیدن»..... ۳۹۳
- ۳۱: «فیلیپ لام؟ هوش فوتبالی او سل ایستاست»..... ۳۹۷
- ۳۲: «ما هشتاد دقیقه عالی بازی کردیم، بهترین فوتبالی که در تمام عمرم دیدم»..... ۴۰۳
- ۳۳: «اگر کسی ترجیح می‌دهد من تصمیم گیرنده باشم، مشکلی نیست، شما تصمیم بگیرید کی بازی کنه»..... ۴۱۱
- ۳۴: «من نمی‌گویم که روش من بهتر است، این فقط روش من است»..... ۴۱۹
- ۳۵: «دیه‌گو! عاشقتم!»..... ۴۲۹
- ۳۶: «قراردادن بازیکنان خوب در میانه‌ی میدان، ایده‌ای که می‌توانیم به آن پایبند بمانیم»..... ۴۳۷
- ۳۷: «برتری مانند حباب است، می‌توانید دنبالش بگردید، اما فقط به لحظه‌ی وفت‌ها آشکار می‌شود»..... ۴۴۷
- ۳۸: «اشتباهات هنگام آسایش شما به وجود می‌آیند»..... ۴۵۳
- ۳۹: «ما دوباره اینجا هستیم، فینالی دیگر»..... ۴۵۹
- ۴۰: «پپ در شش ماه گذشته در این جا بیشتر از چهار سال بارسا تلاش کرده است»..... ۴۶۳
- ۴۱: «خوب است که مانورا داریم، بدون کمک او نمی‌دانم الان کجا بودیم»..... ۴۷۱
- ۴۲: «لام تیم را به زندگی برگرداند»..... ۴۷۵
- ۴۳: «من برای کنترل بیشتر می‌روم، کنترل، و کنترل بیشتر»..... ۴۸۱
- ۴۳: «اولی قلب ماست، سخت است که باین را بدون او تصور کنیم»..... ۴۸۹
- ۴۴: «چیدن ترکیب تیم مانند نشستن روبروی مهره‌های شطرنج است»..... ۴۹۳
- ۴۵: «من تو را دوست دارم پپ، تو در قلب منی مرد»..... ۴۹۷
- ۴۶: «سقوط کردن و دوباره برخاستن»..... ۵۰۳
- ۴۷: «همیشه بهترین‌ها را انتخاب کن، همیشه»..... ۵۰۷

- ۴۹: «ماهیت فوتبال کارکردن به بهترین روش برای حمله به حریفان است»..... ۵۱۱
- ۵۰: «من تا به حال این طور بازی نکرده بودم... حتی در برجسته‌ترین و درخشان‌ترین روزهایم در بارسا»..... ۵۱۷
- ۵۱: «آرین یک هیولا است»..... ۵۲۳
- ۵۲: «ما باید به خاطر داشته باشیم که اگر ندویم هیچی نیستیم»..... ۵۲۷

کتاب سوم: تکامل بدن

- ۱: «آدم دمدمی مزاج»..... ۵۳۷
- ۲: «چرا منچستر سیتی؟»..... ۵۵۵
- ۳: «چگونه فوتبال آلمان بار علمی پپ گواردیولا را افزایش داد»..... ۵۶۹
- ۴: «چه طوری او را بهترین کنیم؟»..... ۶۱۹
- ۵: «نقش پپ گواردیولا در فوتبال آلمان»..... ۶۷۷
- ۶: «برنامه‌ریزی استراتژیک»..... ۶۹۷
- ۷: «رویارویی با سستی‌ها»..... ۷۱۹
- ۸: «قابلیت آموزش دادن»..... ۷۳۳
- ۹: «اگر قرار است بیازم، می‌خواهم روش را خودم انتخاب کنم»..... ۷۷۷
- ۱۰: «روح هنری، ذهن منطقی»..... ۸۱۹
- ۱۱: «حریف وحشی»..... ۸۴۵
- ۱۲: «آغاز به پیروزی»..... ۸۶۷
- ۱۳: «بزرگ‌ترین چالش تا کنون»..... ۸۸۵
- ۱۴: «زمان بردن»..... ۹۰۷

۹۳۳..... منابع

پیش‌گفتاری درباره‌ی مفز متفکر فوتبالی برای فردا

زلاتان ابراهیموویچ ستاره سوئدی تیم منچستر یونایتد درباره‌ی پپ گواردیولا جملاتی جالبی درددار برای مقایسه‌ی پپ و مورینیو می‌گوید: «مورینیو متضاد گواردیولا است. اگر مورینیو تصمیم بگیرد فضای اتاق را روشن کند، گواردیولا تصمیم می‌گیرد تا پرده‌های اتاق را ببندد و همه‌جا را تاریک کند و من تصور می‌کنم که گواردیولا می‌خواهد با این رفتار خود را با مورینیو مقایسه کند. اما به نظر نگارنده‌ی این سطور نه تنها گواردیولا، بلکه هیچ‌کس را نباید مقایسه کرد. در دنیای فوتبال فقط یک نفر است که نامش جوزپه گواردیولا است. او یک مربی تاثیرگذار و یک مکتب‌ساز نوین در فوتبال امروز جهان است. یکی از اسفان کواکس. یکی مثل رینوس میشل. یکی مثل آریگو ساچی. یا حتی یکی مثل یوهان کرایف. اندیشه‌ای برای فردا. فوتبالی برای آینده.

البته سخن گفتن یا مقاله و داستان نوشتن درباره‌ی چنین مردان بزرگی هیچ‌گاه آسان نبوده است. بزرگانی که هر یک در راهی به موفقیت رسیدند و بی‌شک با توانایی‌ها و لیاقت‌های خود، راه‌های رسیدن به این موفقیت را طریقه‌اند. ارنست همینگوی نویسنده و مبارز نامدار ادبیات جهان می‌گوید در جهان تنها در گروه از مردم هستند که هرگز تغییر نمی‌کنند: اول بزرگ‌ترین دانشمندان و خردمندان و دوم ضعیف‌ترین و پست‌ترین مردم، و ما در سال ۲۰۱۷ شاهد هستیم که این مربی بزرگ هیچ تغییری نکرده است. او تغییر نکرده بلکه تکامل یافته است و تغییرات ذهنی‌اش، هم برای جبران اشتباهاتش و هم برای بهبود روش‌ها و تاکتیک‌های ابداعی‌اش بسیار کارساز بوده است. پپ گواردیولا هیچ‌گاه در سکون و رکود نمانده است. بسیاری اعتقاد داشتند که با رفتن او از بارسلونا تمام موفقیت‌هایش نیز به پایان خواهد رسید، اما

سه گانه ای از پپ گواردیولا

هم چنان شاهدیم که او بعد از سه سال پی در پی درخشش در بوندس لیگا که برخی به غلط آن را لیگ ساده ای می پندارند، اینک در لیگ برتر انگلستان هم در بالای جدول قرار دارد.

او خودش آن قدر فروتن و دانا است که وقتی در بایرن مونیخ و در اوج افتخارات قرار داشت گفت: «زمانی که در بارسلونا بودم، تلاش بسیاری کردم تا لیونل مسی را تبدیل به بهترین بازیکن جهان کنم، اما این مسی بود که من را به یکی از بهترین مربیان جهان تبدیل کرد. این جمله نشان از منش، ادب، رفتار روان شناسانه و فروتنی او داشت و موجب شد تا بر تعداد هوادارانش افزوده شود. درواقع مردی چون پپ گواردیولا همواره در تفکری عمیق و اندیشه ای برای بهتر شدن قرار می گیرد تا روز به روز در حال تکامل باشد و تغییر مردان بزرگ همیشه به عمق و محتوای فکر خود می اندیشند نه به حاشیه ها و رسانه های زمن های بیمار اجتماع. حتما شنیده اید که روزی به دکتر شریعتی گفتند: «استاد سالگرد تولد طول زندگی آدم را کوتاه می کند.» ایشان در جواب گفت: «... به عرض زندگی فکر می کنم نه طول آن.»

مردانی مثل گواردیولا هم حاشی می اندیشند. او به این نمی اندیشد که چرا از بارسلونا به بایرن مونیخ و چرا از بایرن مونیخ به منچستر سیتی منتقل شده است. تفکر او این است که هر جا می رود تفکر خودش را جاری کند و فقط به داشته ها و توانایی های خودش ایمان دارد و به آنچه می رسد با استازی مختلف و متفاوت با هم تیمی هایی شبیه به هم بسازد که سبک گواردیولی در فوتبال را به معرض نمایش بگذارند. او مانند شوپنهاور، فیلسوف بزرگ اعصاب فلسفه ی سحر اعتقاد دارد که هوش و استعداد خود را پرورش بدهید ولی نه از راه مطالعه ی مطلق بلکه به وسیله ی تفکر توأم با عمل. تمایل اکثر فضلا به مطالعه، شبیه تلمبه ای است که فقط باد می کشد اما باد نمی زند. در چنین مردمانی خالی بودن مغزهای خودشان موجب می شود که افکار مردم دیگر را به سوی خود بکشند اما هیچ نفعی نبرند زیرا هر کس زیاد مطالعه کند به تدریج قدرت تفکر را از دست می دهد. جوزپ گواردیولا بسیار مطالعه می کند اما نه فقط از روی کتاب بلکه با کتاب و عمل در میدان فوتبال.



البته او منتقدین بسیاری هم دارد. یکی از منتقدین گواردیولا، زلاتان است که در فصل اخیر فوتبال انگلستان و در اولین مسابقه با او ۳-۱ بازنده شد. در این جا باز هم نقل قولی از ابراهیموویچ را می‌نویسم. زمانی که زلاتان از بارسلونا خارج شد، شروع به انتقاد از گواردیولا نمود و در کتاب خودش نوشت: «وقتی مرا می‌خرید، یک «فراری» را خریده‌اید. وقتی با یک فراری رانندگی می‌کنید، بهترین سوخت را در باک آن می‌ریزید، موتورش را روشن می‌کنید و پایتان را روی پدال گاز می‌گذارید. گواردیولا این فراری را با سوخت دیزل پر کرد و با آن در مناطق روستایی رانندگی کرد. او به جای «فراری» باید یک «یات» می‌خرید!»

هنوز هم عده‌ی بسیاری اعتقاد دارند که او در ساختار فیزیکی و پر از درگیری و جنگ میدانی فوتبال انگلستان موفق نخواهد شد و شکست خواهد خورد. اما در فوتبال هیچ بازنده‌ای وجود ندارد. این تفکری مثل تفکر جوزپه گواردیولا را داشته باشید. این تفکر همیشه پیروز است. انسانی که فکر می‌کند هیچ وقت نمی‌بازد. هر انسانی برای رسیدن به پیروزی سه راه دارد، راه اول: تجربه می‌گذرد، این تلخ‌ترین راه است. راه دوم از دریچه‌ی چشم‌پستن و تقلید کردن گذشته می‌گذرد، این آسان‌ترین راه است و راه سوم از جاده‌ی اندیشیدن می‌گذرد، این بهترین راه است و مردی مثل گواردیولا همیشه می‌اندیشد.

دکتر علی فتح‌الله‌زاده



پیش‌گفتار نویسنده

در پشت هیچ در بسته‌ای ننشینید تا روزی باز شود. راه‌کار دیگری
چراغی نیست و اگر نیافتید همان در را بشکنید.

آرد^۱

جوزپه گواردیولا، پایتخت پادشاهی اسپانیا در سانتیاگو برنابو را با بردهای پیاپی در
ال‌کلاسیکو به خانه‌ی درم بارسا، ها تبدیل نمود و این‌گونه افسانه‌ی
شکست‌ناپذیری‌اش در مادرید جاودانه شد. روزی که پپ روی نیمکت بارسا نشست
چیزی از ابهت این تیم باقی نمانده بود. آن‌ها حتی برای رسیدن به لیگ قهرمانان اروپا
مجبور بودند در یک بازی پلی آف حضور پیدا کنند. چیزی شبیه فاجعه، اما او با
فلسفه‌ی خاص خودش در همان فصل اول کاری کرد. برای همیشه در یادها خواهد
ماند. همان تیم فاجعه تمام جام‌های موجود را در آن فصل در کرد، و اینک در این
کتاب می‌خواهم از این مرد بنویسم. تا پیش از سال انتشار کتاب «فرمانه‌ی پپ»^۲
چندین کتاب درباره‌ی پپ گواردیولا نوشته شده بود. کتاب‌هایی با نام «بیوگرافی
هوشمندانه از مربی بسیار موفق بارسلون»^۳ «پپ گواردیولا: راه‌های دیگر برای

۱ آرد، یک فیلسوف ایرانی‌الیهیت، نام شناسنامه‌ای او، مجتبی شرکاء می باشد. پدرش محمد تقی
شرکاء، فرزند بابا، از شهر شیروان در خراسان شمالی بود، مادر آرد، فاطمه جاهد طبسی از ایل قشقایی
شیراز بود. آرد سال‌ها در شهرهای مشهد، تهران، شیروان و شهرکرد زندگی کرده است، او هم‌اکنون، در
شهر کرج زندگی می‌کند.

2 Pep Confidential

3 An entertaining, perceptive biography of the hugely successful manager of FC Barcelona

سه گانه‌ای از پپ گواردیولا

پیروزی^۱، «آقای پپ»^۲ و «آقای گواردیولا»^۳. در این میان کتاب‌هایی وجود داشتند که بسیار خواندنی بودند و من به هر نحوی که بود آن‌ها را با استفاده از چندین دیکشنری و نرم‌افزار خواندم و نکات بسیاری از آن‌ها آموختم تا این‌که در هنگام گزارش مسابقه بایرن مونیخ با پورتوی پرتغال در رقابت‌های لیگ قهرمانان اروپا با دکتر حمیدرضا صدر درباره‌ی کتابی جدید از گواردیولا به بحث پرداخته و از ایشان که تقریباً به تمام اتفاقات دنیای مدرن فوتبال اشراف دارند شنیدم که کتاب جدیدی درباره‌ی گواردیولا منتشر شده است. کتابی به نام محرمانه با پپ. آن شب ۳۱ فروردین ۱۳۹۴ بود. در شبکه‌ی سیما، برنامه‌ی گزارش ورزشی و گزارش مسابقه‌ای که بایرن مونیخ در آن ۱-۶ با پیروزی سید. آن‌ها بازی رفت را ۳-۱ باخته بودند و حالا در مونیخ آتشی عظیم به پا کرده و بی‌غالی‌ها را سوزاندند. تیاگو، بوآتنگ، لواندوفسکی، مولر و ژابی آلونسو شش گل مرز باوریا را به دروازه‌ی پورتوی نگون‌بخت دوختند. در آن فصل مسابقه‌ی برگشت بارسلونا، بایرن مونیخ را هم من گزارش کردم که بایرن مونیخ با زحمت و با نتیجه‌ی ۳-۱ به پیروزی رسید اما درخشش مسی و پیروزی ۳-۰ مردان لویز انریکه در دور رفت کافی بود تا مونیخ‌ها از رسیدن به فینال بازمانند. من هم چنان در فکر یافتن راهی بودم تا کتاب مارتی پرانائو را بیابم و بخوانم. به یکی از اقوام که در دوی میم است تلفن کردم و او هم تا پایان خرداد همان سال یعنی حدود یک ماه بعد این کتاب را برایم فرستاد. از همان لحظه اول و خواندن جملات آغازین کتاب به این فکر افتادم که چرا این جملات و متن عالی درباره‌ی فوتبال و علم و فلسفه و جامعه را فقط خودم بخوانم؟ به قول سعدی: «خرد که بخورد و بدهد، به از عابد که روزه دارد و بنهد. هر که ترک شهوت از بهر خاشاک ده است از شهوتی حلال، در شهوتی حرام افتاده است»^۴.

1 Pep Guardiola: Another Way of Winning

2 Mr. PEP

3 Mr. Guardiola



مقدمه

پس از همان روز اول شروع کردم به نت‌برداری و نوشتن و نوشتن. البته من زبان چندان کامل و مطمئنی ندارم اما پشتکار این را داشتم تا با کمک دوستانم و سایت‌ها و نرم‌افزارها بالاخره به محتوای اصلی کتاب دست یابم و دست یافتم.

در دی ماه سال ۱۳۹۵ که به اداره‌ی کل ارشاد تهران رفته بودم تا برای برخی از امور فرهنگی صحبت کنم با مردی مهربان به نام آقای یزدانی آشنا شدم و طی گفت‌وگوهای فراوان درباره‌ی فوتبال و علم و کتاب به بیان تمایل خودم در انتشار کتب ورزشی پرداختم. این شد که با مدیر انتشارات افق دور و آقای محسن باطنی ملاقات کردم و در نهایت قرار شد تا با کمک ایشان کتاب حاضر را تقدیم مردم کشورم کنم.

خیلی تلاش کردم. خیلی خواندم. خیلی پرسیدم. هر جا که می‌رفتم متونی از کتاب را در دست داشتم و با سوال از همه‌ی کارشناسان فوتبال و متخصصان زبان راهی برای ترجمه و تالیف بهتر و دقیق‌تر این کتاب می‌یافتم. از مرتضی محصل می‌پرسیدم. از دکتر بیژن رسا مقدار سب می‌آموختم. با امیر حاج‌رضایی در این باره اندیشه می‌کردم. با مجتبی تقوی به ایجاد یک راه‌کار می‌پرداختم. از حمید استیلی می‌پرسیدم. دیدگاهم را با محمدحسین نصاریف به اشتراک می‌گذاشتم. با جعفر صافی که سال‌ها مدیر شبکه‌ی سه سیما بود مشورت می‌کردم. از محمد ابراهیم سلطانی‌فر پرسش می‌نمودم. در کلاس‌هایی که تدریس داشتم با دانش‌جویانم بحث می‌کردم و در کلاس‌هایی که تحصیل می‌کردم با هم‌کلاسی‌ها و اساتیدم هم به بحث می‌نشستم.

در همان روزها مطلع شدم که یکی از دوستان بسیار محترم و عزیزم سفری به اسکاتلند رفته است تا پسر و دختر دلبندش را در آن‌جا ببیند. ایشان خواستم تا اگر کتاب یا فیلمی درباره‌ی پپ منتشر شده است برایم به ارمغان بیاورد. ایشان هم با نهایت لطف و سخاوت‌شان کتاب جدید مارتی پرارنائو به عنوان «تکامل پپ گواردیولا» را خرید و با خودش به ایران آورد. حالا کارم دوبرابر شده بود. لذا هرگز با توان چندبرابری خودم نیز نمی‌توانستم دو کتاب در حدود ۸۰۰ صفحه را ترجمه و تالیف کنم ضمن این‌که قصد داشتم تا حتما خودم نیز جملاتی را درباره‌ی پپ گواردیولا بنویسم (همین کتاب که می‌خوانید) و تمام نوشتارهای جسته و گریخته‌ی موجود در



سه گانه‌ای از پپ گواردیولا

سایت‌ها و محافل ورزشی و فرهنگی را جمع‌وجور کرده و این مجموعه‌ی آموزشی از این مرد بزرگ دنیای فوتبال را تدوین، نگارش و ترجمه کنیم. باز هم از محسن باطنی کمک خواستم و ایشان خانم مینا امان‌پور را معرفی کردند تا با کمک ایشان کتاب دوم را هم ترجمه کنم. ترجمه شد. این کتاب هم ترجمه شد و من در طی ماه‌های آبان تا اسفند ۱۳۹۵ و فروردین ۱۳۹۶ روی صندلی اتاقم در منزل و یا در دفتر کارم در شهر تبریز و در زمان‌هایی بسیار طولانی و بسیاری مواقع از شب تا صبح فقط مطالعه کردم و تحقیق نمودم و نوشتم و نوشتم و در هر بار ویرایش متون به موضوع جدیدتری برخورد کردم. در طی این مدت که مربوط به بعد از عمل جراحی من در مهر ۹۵ و در بیمارستان بین‌المللی تبریز و تحت درمان دکتر طاهّا عبّرا می‌شود، درس‌های دانشگاهی خودم را هم داشتم که با موفقیت گذرانده و به اتمام رساندم و در حین امتحانات دانشگاهی و تاسیس مدرسه و تحقیق و البته کار در تلویزیون و برنامه‌های دیگر تقریباً ۳۳ مورد از نوار بازی‌های پس در بارسلونا و بایرن مونیخ را کسب کرده و ریز به ریز این مسابقات را دیدم. تقریباً تمام بازی‌های منچستر سیتی در فصل اخیر فوتبال انگلستان و اروپا را هم از صحنه شبکه‌ی بین اسپورت^۱ تماشا کردم و تمام اندیشه و تفکرات پپ را مرور نمودم. تمام مصد به‌های او، گفت‌وگوهایش، نظراتش، ایده‌هایش و همه چیز درباره‌ی او را بررسی کرده تا اس‌ک با این مجموعه در جمع محترم نویسندگان، مطبوعاتی‌ها، ناشران، نویسندگان و مترجمان ایران قرار گرفته باشم.

نکته‌ی هم‌زمان دیگری که مرا در نگارش و ترجمه این کتاب‌ها کمک کرد تدوین یک پروپوزال دانشگاهی و یک پایان‌نامه دانشگاهی و زبان انگلیسی بود که برای عزیزی بسیار محترم و دوست‌داشتنی آماده‌اش می‌کرده. در اینجاست که ایشان خودشان توانایی این کار را داشتند اما با خواهش من قرار شد تمام امور تحقیقات و نگارش متون به‌عهده‌ی من باشد تا بتوانم روش‌ها و متدهای ترجمه‌ی متون را بیشتر از

۱ bein Sports یک شبکه‌ی ورزشی ماهواره‌ای متعلق به شبکه‌ی رسانه‌ای الجزیره می‌باشد که در سال ۲۰۱۲ میلادی تأسیس شده است. این شبکه در کشورهای خاورمیانه، شمال آفریقا، قطر، فرانسه، آمریکا، اندونزی، کانادا، هنگ‌کنگ و تایلند قابل دریافت است، بین اسپورت مسابقات فوتبال، راگبی، والیبال، موتورسواری و هندبال را پوشش می‌دهد.



قبل آموخته و با به‌کارگیری راه‌های کثیری از متودولوژی، ترجمه‌ی متون این کار را انجام بدهم. در این راه از اساتید راهنما و مشاوران و متخصصان دانشگاهی نیز بسیار کمک گرفتم. از دکتر برادران رییس فرهیخته‌ی دانشکده‌ی زبان‌های خارجی دانشگاه آزاد در تهران مرکزی. از خانم دکتر رضایی استاد توانای زبان و ادبیات انگلیسی و نیز از مردی با فرهنگ و باادب به نام دکتر نصرت‌زاده در دانشگاه آزاد واحد دماوند بسیار کمک گرفتم و با تلاش و توان صاحب اصلی عنوان و پروزال که دانشجوی مترجمی زبان انگلیسی در مقطع فوق‌لیسانس بود، پایان‌نامه‌ای در حدود ۴۰۰ صفحه را به زبان انگلیسی نه‌تنه و به جلسه‌ی دفاع رساندم. این کار را کردم تا به‌صورتی دقیق با اصول و امور ترجمه آشنا شده و با روشی علمی، پژوهشی به استقبال کتاب‌های مارتی پرارثانو بروم. لذا حدود شش ماه را به مطالعه‌ی کتب مختلف از متخصصین علم ترجمه پرداختم.

با نظریات پیتر نیو^۱ آشنا شدم. از جان کتفورد^۲ خواندم و خواندم. راجع به ورنر ویتتر^۳ نیز بسیار مطالعه کردم. با اندیشه‌های او و نیز یوجین نایدا^۴ و چند نظریه‌پرداز دیگر درباره‌ی وفاداری، سبک‌ها، نکات بسیاری را آموختم و دانستم که روش‌های ترجمه‌ی لغت به لغت، محتوایی، فرهنگی و مفهومی چیست و چگونه باید در این باره اقدام نمود.

دکتر خزاعی^۵ در فصل‌نامه‌ی ترجمه آورده است: «در دوره‌ای که پیتر نیومارک (۱۹۸۱) آن را دوره‌ی ماقبل زبان‌شناسی ترجمه می‌نامد، بحث درباره‌ی ترجمه، حول یک سوال کلی صورت می‌گرفت و آن این بود که ترجمه باید به روش آزاد انجام شود یا روش لغوی؟ نیومارک در بحث از انواع ترجمه، به دو نوع ترجمه اشاره می‌کند، ترجمه‌ی معنایی^۵ و ترجمه‌ی پیامی^۶ که می‌توان آن‌ها را تا حدودی به ترتیب با ترجمه‌ی «کلمه به کلمه» و «ترجمه‌ی آزاد» مطابقت داد.

1 P. Newmark

2 Catford

3 Werner Winter

4 E. Nida

5 Semantic translation

6 Communicative



مه‌گانه‌ای از پپ گواردیولا

او خود را مجبور به انتخاب این یا آن روش می‌دید و پاسخ خود را به صورتی تجویزی و با استناد به یکی از چهار عامل فرهنگی، اخلاقی، زبانی و زیباشناختی و یا مجموعه‌ای از این عوامل بیان کرد. پاسخ‌هایی را که با استناد به عوامل فوق داده شده، می‌توان به طور خلاصه به شرح زیر بیان کرد:

❁ عامل فرهنگی

الف. ترجمه ابزاری فرهنگی است. متن اصلی را تا آن‌جا که لازم است باید تغییر داد تا با فرهنگ مقصد سازگاری پیدا کند.

ب. ترجمه ابزاری فرهنگی است. متن اصلی را باید با کمترین تغییر ترجمه کرد تا بیان‌گر شیوه‌ی تفکر و بیان ملتی دیگر باشد.

❁ عامل زبانی

الف. مترجم باید تا حد امکان کلمات و تعبیرات نویسنده را به کار ببرد و از این راه زبان مقصد را غنی کند.

ب. مترجم باید تا حد امکان از به کار بردن کلمات و تعبیرات نویسنده که زبان مقصد را فاسد می‌کند، پرهیز کند.

❁ عامل اخلاقی

الف. مترجم باید لفظ به لفظ به نویسنده متعهد باشد.

ب. مترجم باید به روح اثر متعهد باشد.

❁ عامل زیباشناختی

الف. مترجم باید با نقض قراردادهای عرفی زبان مقصد را آشنایی‌زدایی، قرابت زبانی متن اصلی را تا حد امکان به ترجمه منتقل کند.

ب. مترجم باید گنگی زبانی متن اصلی را به حداقل برساند و زبان ترجمه را تا حد امکان طبیعی و روان کند.

استدلال‌های فوق، چنان‌که گفته شد، تجویزی‌اند و مبنایی واقعی دارند. هر کدام از آن‌ها ممکن است در شرایط خاصی در جامعه‌ای مقبول واقع شوند و در شرایط خاص دیگری نامقبول. در تاریخ ملت‌ها بسیار پیش آمده است که زمانی یک استدلال



مقبول واقع شده و زمانی استدلال متضاد آن، مقبولیت این استدلال‌ها در نهایت تابع ذوق اهل قلم و شرایط اجتماعی فرهنگی و زبانی دوره‌ای خاص می‌باشد.

تغییر شیوه‌ی کار نظریه‌پرداز از تجویزی به توصیفی، اتفاق مبارکی است که در عرصه‌ی مطالعات ترجمه رخ داده است. این تغییر پیامدهای زیادی برای مترجمان دارد. از جمله‌ی این پیامدها یکی آن است که مترجم مجبور نیست از روشی پیروی کند که در جامعه‌ی ادبی روش غالب در ترجمه به حساب می‌آید. انتخاب روش بستگی به مخاطب و به‌خصوص نوع متن دارد. انتخاب روش وقتی درست است که ترجمه برای خواننده مفید باشد یا روش با نوع متن تناسب داشته باشد.

در ترجمه این کتاب با ترکیب و ادغامی کامل از روش‌های مختلف استفاده کرده‌ام مثلاً وقتی پدیده‌ی یک ایده فلسفی صحبت می‌کند سعی کردم تا با ترجمه‌ی لغت به لغت به این اصل ایده‌های او پردازم تا خلط مبحث نشده باشد اما وقتی به ذکر خاطره یا تعریف از یک رویداد ورزشی پرداخته و یا راجع به یک واقعه‌ی تاریخی صحبت می‌شود تلاش کردم تا با اضافات لازم و یا کاستن برخی از موارد غیرلازم که منطبق با فرهنگ ایران می‌باشد به ترجمه‌ی متن پردازم. ضمناً در طی نگارش این کتاب و ترجمه‌ی دو کتاب مارتین به صدها اسم و عنوان رسیدم که شاید برای خیلی از خوانندگان محترم و از جمله حتی برای خودم تازگی داشت، پس به استخراج بیش از ۱۰۰۰ مورد پاورقی و شرح اسامی و مکان‌ها و عناوین پرداختم تا مثلاً وقتی نام مانل استیارتی آورده می‌شود همه‌ی خوانندگان عزیز بتوانند با برقراری ارتباطی مشترک، او و سایر افراد و مکان‌ها و رویدادها را شناخته و یا یاد بگیرند.

به نوشته‌ی بسیاری از متخصصین ترجمه، انتخاب روش در ترجمه به مترجم واگذار شده است. مترجم برای انتخاب روش ترجمه باید آگاهی داشته باشد و روش مناسب را با احساس مسئولیت و اعتماد به نفس انتخاب کند. این نکته دست‌آورد کمی نیست هر چند که اهمیت آن همیشه به درستی درک نمی‌شود. کم نیستند مترجمانی که همه‌ی انواع متون را به یک روش ترجمه می‌کنند و برای انتخاب روش مناسب، آگاهی لازم و لذا اعتماد به نفس ندارند و دست به تجربه نمی‌زنند.



سه گانه ای از پپ گواردیولا

ولی من از این که در ترجمه‌ی این متون اشتباه کرده باشم هرگز نمی‌ترسم زیرا می‌دانم حتماً اشتباه کرده‌ام و مطمئن هستم که می‌توانم با دانش بیشتر در چاپ‌های بعدی همین کتاب و یا کتب دیگر رو به بهتر شدن رفته و ایرادها را برطرف کنم. به نظر من اگر قرار بود با دیدن یک کتاب ۸۰۰ صفحه‌ای، سطحی ترجمه و ویرایش‌های چندباره و چندباره‌ی آن‌ها دچار وحشت بشوم تا به حال حتی یک خط از کتب مختلف فرهنگی، ادبی، سیاسی، تاریخی، علمی، ورزشی و اجتماعی و سایر سوژه‌ها به هیچ زبانی برگردانده نمی‌شد و بشر در تاریکی مطلق ذهن و جهالت خویش باقی می‌ماند.

من این کار پرخطر را آغاز کردم. البته قبل از ترجمه و نگارش این کتب به انتشار کتب دیگری نیز پرداخته بودم که شامل حدود ۲۰ جلد کتاب معرفی تیم‌های فوتبال ایران در لیگ برتر، معرفی تیم‌های حاضر در جام جهانی ۱۹۹۸، جام جهانی ۲۰۰۶ و جام جهانی ۲۰۱۱ و نیز کتاب ویژه‌ی المپیک‌های ۲۰۰۴ آتن و ۲۰۰۸ پکن و جام ملت‌های آسیا در سال ۲۰۰۷ هم می‌شد. در سال ۱۳۷۷ هم خاطرات مسابقه با استرالیا و جام جهانی فرانسه را تحت عنوان یک توپ، یک ضربه و دیگر هیچ نوشته و در ۳۰۰۰ نسخه منتشر کرده بودم که الان حتی خودم هم آن کتاب را ندارم! در سال ۱۳۹۰ نیز با همکاری دانشگاه جامع علم کاربردی به انتشار کتابی تحت عنوان اصول نقشه‌کشی صنعتی پرداختم که هنوز هم در برخی از کلاس‌های دانشگاهی مورد استفاده‌ی اساتید و دانشجویان محترم رشته‌های معماری و نقشه‌کشی صنعتی قرار می‌گیرد.

من درباره‌ی نویسندگی و نگارش تجارب زیادی دارم اما درباره‌ی ترجمه اولین کارم را به جامعه تقدیم می‌کنم و می‌دانم که شاید هنوز هم برای این کار زود بوده باشد ولی بعد از گذشت پنجاه سال از عمر خودم می‌خواهم سعی کنم تا این کار را هم انجام بدهم و در آغاز این راه از مترجمین بزرگ کشورم اجازه گرفته و با احترام به ساحت مقدس قلم به این عرصه وارد می‌شوم.

انسان تا وقتی فکر می‌کند نارس است، به رشد و کمال خود ادامه می‌دهد و به محض آن که گمان کرد رسیده شده دچار آفت می‌شود. من نمی‌خواهم در ساکن بودن و راکد بودن خودم بمانم و ببوسم. به نظر من چیزی که سرنوشت انسان را می‌سازد



هفده

استعدادهایش نیست بلکه انتخاب‌هایش است و اینک این راه را علی‌رغم همه‌ی سختی‌هایش انتخاب کرده‌ام تا در آینده حسرت امروز را نخورم زیرا میدانم که حسرت واقعی را آن روزی می‌خوری که می‌بینی به اندازه‌ی سن و سالت زندگی نکرده‌ای و فقط در چنبره‌ای از حسادت و توهین به دیگران و یا تمسخر دوستان مانده و بی هیچ تلاشی برای بهتر شدن خودت را به نزدیکی‌های مرگ رسانده‌ای. مرگی که هرگز تو را هشدار نخواهد داد و شاید یک‌باره و بی‌خبر از راه برسد.

پسر آبا باز هم بنشینیم و در فضای مجازی فقط نظریه بدهیم و به همدیگر توهین کنیم با برخیزیم و بخوانیم و بدانیم و تلاش کنیم؟ به قول فریدریش انگلس^۱ یک گرم حمل از یک تن نظریه با ارزش‌تر است. من این عملیات یک گرمی را شروع کردم، تا یار که را خواهم و میلش به که باشد؟^۲

اصلاً خصوصیت «رزپ گواردیولا همین نکته است که همواره می‌خواند و تحقیق می‌کند و از باختم می‌ترسد. او بارها گفته است که اگر فقط برای بردن به میدان می‌آمدم هرگز پای به زمین نمی‌تابانم، نمی‌گذاشتم. من آمده‌ام تا اندیشه‌های خودم را به اشتراک بگذارم. در این راه اگر پیروز شوم شما با کمک بزرگان و دوستانم بوده و اگر باختم باز هم برمی‌گردم و تلاش می‌کنم و از شکست هرگز نمی‌هراسم. لقمان حکیم در توصیه به فرزندش اظهار نمود: «فرزند، داشته به رضای مردم و مدح و ذم آنان مباش، زیرا هر قدر انسان در راه تحصیل آن بکوشد به مدد نمی‌رسد و هرگز نمی‌تواند رضایت همه را به دست آورد. اینک برای من مهم نیست که پیروز بشوم یا ببازم. مهم این است که شهادت رود روشن شدن با چیزی که من این مسابقه، تلاش، خواستن، میدان، رقیب، حریف، اجتماع، مشکل و مسئله را داشته باشم. به قول معروف:

۱ Friedrich Engels فیلسوف و انقلابی کمونیست آلمانی و نزدیک‌ترین همکار کارل مارکس است. او به همراه کارل مارکس «مانیفست حزب کمونیست» و آثار تئوریک دیگری نوشته است. آثار تئوریک او و کارل مارکس را اولین آثار تئوری کمونیستی می‌دانند. انگلس دوش به دوش مارکس، برای پایه‌گذاری تئوری علمی سوسیالیسم، تدوین برنامه‌ی مبارزاتی کارگران اروپایی و ایجاد حزب طبقه‌ی کارگر، پیگیرانه شرکت کرد.

۲ یک مصرع از دوبیتی معروف شاعری به نام دولت‌شاه.



سه گانه‌ای از پاپ گواردیولا

نه آن باش که از تو سیر شوند نه آن باش که بر تو شیر شوند^۱

این کتاب آغازی است از راه جدید نگارنده‌ی این سطور برای انتشار اندیشه‌های فراوانی که در ذهن خود دارد و برای بسط آن‌ها در جامعه، شوقی بی‌حد نشان می‌دهد. با دوره‌ای پنجاه ساله از زندگی و با تجربه‌ای بیست و پنج ساله از حضور در سطح اول ورزش کشور. که اگر غم نان نباشد و بتوانم رونق زندگی خودم را حفظ کرده و توانایی گذران امورات جاری و باقی را داشته باشم می‌خواهم باز هم بنویسم و بنویسم. آن قدر بنویسم تا نه برای پز و افتخار و کلکسیون و درآمد و قفسه‌های کتاب‌فروشی‌ها و کتاب‌خانه‌ها نهشته باشم. هرگز چنین مباد. می‌خواهم بنویسم تا اندیشه‌ی خودم را با مردم و ربان کشورم به اشتراک بگذارم و در طی این خواندن‌ها و نوشتن‌ها یاد بگیرم و بیشتر بدانم.

هنوز هم می‌خوشم و می‌دانم که هنوز هم هیچ نمی‌دانم. اما برای دانستن تلاش می‌کنم تا بیشتر بدانم. کار نمی‌کنم که بند گردوی دانش سخت است و محکم، لیکن توانی آن را شکستن، با نیروی می‌خواهم بدانم. من در طی دو سالی که با این کتاب و ترجمه و نگارش و کار و تحقیق و درس و انگاه همراه بوده‌ام به خیلی از کارهای شخصی و خانوادگی و شغلی خودم هم نرسیده‌ام. ر سانه باید سکوت می‌شد و همه ساکت بوده‌اند و با هدفون برنامه‌های تلویزیونی را تماشا کرده‌اند.

در محل کار و در دفتر خودم در تبریز برخی از کارهای اداری را با تاخیر انجام داده‌ام که اگر غم نان نبود هرگز انجام‌شان نمیدادم. ر خط می‌نشستم و می‌نوشتیم! به اقوام و دوستان باید سر می‌زدم که نزده‌ام. بسیاری را باید می‌دیدم. از برخی باید حرف می‌شنیده‌ام که نشنیده‌ام. از همه‌ی آن‌ها معذرت‌خواهی می‌کنم و می‌دانم که می‌دانند به جای آن‌ها حالا توانسته‌ام این کار را هر چند محقر و کوچک. پایان برسانم. تشخیص کوچکی یا بزرگی این کار با من نیست. با مردمی است که همیشه بزرگ بوده‌اند و در این سرزمین کهن، بزرگ هم خواهند ماند و اینک این کتاب را تقدیم به

۱ این بیت استعاره‌ای است از حکایت عالی سعدی در گلستان که می‌گوید: «خشم بیش از حد گرفتن وحشت آرد و لطف بی‌وقت هیبت ببرد نه چندان درشتی کن که از تو سیر گردند و نه چندان نرمی که بر تو دلیر شوند».



مقدمه

همین مردم دانا و فهیم کشورم و جامعه‌ی ورزش و فوتبال سرزمینم می‌کنم. باشد تا مورد پذیرش بوده و دانایان و دانشمندان و علم‌پژوهان و دانشگاهیان و حتی مردم عادی در حد یک نانوا یا یک خیاط یا یک بنا یا یک راننده یا حتی همی بیکاران کشورم که همه‌شان را دوست دارم و برایم از هزاران پروفیسور و روشن‌فکر فرنگی هم با ارزش‌تر هستند مرا کمک کرده و روشن‌گر راه آینده‌ام در تدوین و ترجمه و نگارش کتاب‌های آتی باشند.

جواد خیابانی

خرداد ۱۳۹۶

